

فلسفه

پایان نامه
فلسفه و منطق

فلسفه و منطق
فلسفه و منطق

۱۱۱۳۳۶



تهیه و تنظیم :

حیدر جلالی

دبیر منطق و فلسفه

شهرستان دشت آزادگان



headerjalaly@yahoo.com ۰۹۱۶۶۰۱۴۰۸۵

درس های بخش سوم : انسان

درس نهم : چستی انسان ۱

درس دهم : چستی انسان ۲

درس یازدهم : انسان موجود اخلاق گرا





مباحث
مهم درس
نهم

حقیقت انسان

دیدگاه فلاسفه یونان

دیدگاه فلاسفه اروپا در دوره جدید

□ تفکر فلسفی دربارهٔ انسان یا «انسان شناسی فلسفی»

2

شاخه و زیرمجموعهٔ

فلسفه های مضاف است.

1

یکی از مباحث مربوط

به فلسفه است.

□ این شاخه از فلسفه یعنی « انسان شناسی فلسفی » به مسائل مهم و

بنیادین دربارهٔ انسان، می پردازد از قبیل:

ویژگی های متمایز

انسان و

هویت انسانی

□ جایگاه انسان در

جهان

□ آیندهٔ انسان

چیستی انسان

❖ گاهی به جای « انسان شناسی » از واژه « خودشناسی » استفاده می شود

معنی « خودشناسی » :

حقیقت انسانی

خودشناسی

به معنی انسان شناسی

❑ شناخت هر کس از خود

❑ شناخت ویژگی ها و خصلت های خود

کاربرد بیشتر

در مباحث تربیتی



□ وقتی که می گوئید « من می خواهم »، « من می نویسم »، « من دوست دارم » منظورتان از « من » چیست؟

آیا مقصود:

یا همهٔ اینها متعلق به آن حقیقتی
است که آن را « من » می نامید؟

احساسات و
عواطف و
خاطرات؟

اندیشه
و
ذهن؟

جسم
و
بدن؟



وجود نظرات مختلف

یکی از مسائل مورد توجه

و گاه متضاد فیلسوفان

فیلسوفان از ابتدای

در این زمینه

حقیقت انسان

شکل گیری فلسفه تاکنون



یونان باستان

نظریات

انسان شناسی

در دوره

دوره جدید اروپا

فیلسوفان مسلمان



□ انسان شناسی

دوره یونان باستان

□ افلاطون

□ ارسطو

افلاطون



□ ارائه دهنده نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، برای اولین بار

□ دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کنندهٔ دیدگاه استادش سقراط است :

دلیل : زیرا مجموعه آثار افلاطون منعکس کنندهٔ اندیشه های سقراط هست.

□ حقیقت برتر انسان

□ غیر قابل رؤیت (چیزی نامرئی)

□ فاقد محدودیت های بدن

□ تنها موجودی دارای عقل و خرد به طور خاص .

□ جزء عقلانی انسان و متمایز کننده انسان از حیوانات

□ غیر فانی و جاوید

نفس

بدن





ارسطو

☐ موافقت ارسطو با نظر استاد خود افلاطون :

قوهٔ نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن.

☐ عقیده ارسطو :

❖ **بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.**

❖ **نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر.**

❖ **نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود.**

❖ **مقصود از « ناطق » بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوهٔ تفکر و تعقل است**

❖ **انسان با قوهٔ تفکر خود استدلال می کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد.**

❖ **گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.**

دوره جدید اروپا

□ حضور این دو جریان در مباحثات

فلسفی اروپا تاکنون

□ حضور فعال تر جریان تجربه گرایی

□ تأثیر گذارتری بیشتر جریان تجربه گرایی

بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر

□ تقسیم فیلسوفان اروپایی در دوره جدید اروپا

از جهت معرفت شناسی به دو گروه

« تجربه گرایان » و « عقل گرایان »



فیلسوفان دوره جدید اروپا به تدریج

از جهت انسان شناسی نیز، دو تلقی از انسان پیدا کنند

و دو جریان را پدید آوردند :

« تجربه گرایان » و « عقل گرایان »

جریان معتقد به وجود نفس :

□ فلاسفه جریان عقل گرایی

برای انسان

دو بُعد **روحي** و **مادی** قائل اند

و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند.

جریان عقل گرایی،

همانند افلاطون و ارسطو،

معتقد به وجود

« روح » یا « نفس » است.

جریان منکر وجود نفس:

□ فلاسفه این جریان، **انسان** را یا یک موجود

مادی می دانند.

□ **نفس** را چیزی **فرعی** نسبت به **بدن** تلقی می کنند

□ **نفس** از **آثار** و **لوازم بدن** به شمار می آید.

جریان تجربه گرا،

به این سو تمایل دارند

که اصولاً وجود « **نفس** »

را انکار می کنند.



دکارت

کانت

هابر

مارکس
Ideology XX

داروینیست ها

معتقد به

معتقد به

منکر وجود نفس

Product 4
منکر وجود نفس

منکر وجود نفس

وجود

وجود

ماتریالیست

ماتریالیست

متأثر از

نفس

نفس

اندیشه های

داروین

دو بعدی بودن انسان

تک ساحتی بودن انسان



□ دکارت، دربارهٔ بدن و دربارهٔ نفس تحقیق کرده است.

عقیده کارت :

□ «بدن» ماشینی پیچیده است که به طور خودکار فعالیت می کند.

□ «بدن»، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد.

□ «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست.

□ روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

□ روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند .

□ روح و بدن خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند.

□ ، روح از قوانین فیزیکی آزاد است .

□ بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.



□ به عقیده کانت، **انسان** یک **موجود اخلاقی** و

برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون

وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد.

□ به نظر کانت، **اختیار ویژگی نفس** است، نه بدن که یک امر مادی

است .

□ دکارت و کانت، اعتقاد دارند که **انسان علاوه بر بدن**، یک حقیقت

روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.

کانت، با استدلال دیگری که با

استدلال دکارت متفاوت بود،

به اثبات حقیقت نفسانی انسان

و اراده و اختیار آن پرداخت و

از این راه، نفس مختار و اراده

آزاد انسان را اثبات کرد .

معتقدان به تک ساحتی بودن انسان

داروینست ها

ماتریالیست ها

- همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است.
- همه موجودات، فقط یک بعد و یک ساحت دارند که همان بعد مادی و جسمانی است.
- ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست.
- انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

دیدگاه فلاسفه ماتریالیست

ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ مادی تلقی می‌کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می‌کند.

دیدگاه هابز

فیلسوف ماتریالیست

انگلستان قرن ۱۸

انسان فقط یک موجود مادی است که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند

دیدگاه مارکس

فیلسوف ماتریالیست

قرن ۱۹

□ فیلسوفانی هستند که از نظریه «داروین»

نتایج فلسفی گرفتند درباره

□ عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند.

❖ پیدایش حیات

❖ تحول تدریجی موجودات زنده

❖ پیدایش انسان از حیوان.

داروینیست ها

عقیده داروینیست ها

□ انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت « با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است . همان طور

که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز

پیچیدگی ندارد.

از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها،

نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.

دلیل:

تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد.



از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان

به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل نیست که

فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد.

دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی از نظر

ماتریالیست ها و داروینیست ها:

□ انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و

زیست اجتماعی شده اند.

□ زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار

به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده

است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

باتشکر

از توجه شما

حیدر جلالی

09166014085